

بررسی عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی مؤثر بر اشتغال موفقیت آمیز زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی و ارائه مدل توانمندسازی*

معصومه توکلی^۱، حسن پاشا شریفی^۲

Investigating the demographic and psychological factors affecting career success of household - headed females covered by the Welfare Organization and developing an empowerment model

Masoumeh Tavakoli¹, Hasan Pasha Sharifi²

چکیده

زمینه: زندگی زنان سرپرست خانوار از جنبه های مختلف اجتماعی و روانشناختی غالباً با مشکلات فراوانی مواجه است. بررسی ها نشان از وجود مسائل روانشناختی در زمینه توانمندی زنان سرپرست خانوار دارد؛ بررسی عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی و همچنین توانمندسازی اینگونه از زنان یک شکاف پژوهشی است. **هدف:** این پژوهش با هدف بررسی عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی مؤثر بر اشتغال موفقیت آمیز زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی و ارائه مدل توانمندسازی برای این زنان انجام شد. **روش:** روش این پژوهش از نوع کمی و پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی در استان های تهران و البرز در سال های ۱۳۹۴ لغایت ۱۳۹۷ بود. تعداد ۲۶۶ نفر از طریق روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه جمعیت شناختی، پرسشنامه شخصیتی نئو مک کری و کاستا (۱۹۸۵)، خلاقیت عابدی (۱۳۷۲)، هوش کتل (۱۹۹۴)، راهبردهای کنارآمدن رضاخانی (۱۳۹۰) و پرسشنامه محقق ساخته نقش تربیتی والدین بودند. برای تجزیه و تحلیل داده ها بر حسب مورد از روش های آماری مجذور خی، آزمون t، تحلیل واریانس و رگرسیون لجستیک استفاده شد. **یافته ها:** نتایج نشان داد که مؤلفه های خلاقیت ۰/۴۲۷، نقش تربیتی والدین ۰/۳۱۳، تحصیلات ۰/۲۸۷، وجدانی بودن ۰/۳۴۰ و راهبرد هیجان محور ۰/۰۱۴ - موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار را تبیین کردند ($p \leq 0/001$). همچنین یافته های این پژوهش به یک مدل ریاضی در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منتهی شد. **نتیجه گیری:** می توان در اتخاذ تدابیر مناسب در جهت ارتقای توانمندی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی از خلاقیت، نقش تربیتی والدین، تحصیلات وجدانی بودن و راهبرد هیجان محور بهره جست. **واژه کلیدها:** موفقیت شغلی، زنان سرپرست خانوار، ویژگی های شخصیت، خلاقیت، کنارآمدن

Background: The life of household-headed females often face many problems in many social and psychological aspects. Studies have shown some psychological issues regarding the empowerment of household-headed females. Investigating demographic and psychological factors and empowering such women is a research gap. **Aims:** The present study aimed to investigate the demographic and psychological factors affecting career success of household-headed females covered by the Welfare Organization and to present an empowerment model for these women. **Method:** The method of this study was quantitative and survey. The statistical population of this study consisted of household-headed females covered by the Welfare Organization in Tehran and Alborz provinces during 2015-2018. 266 participants were selected through multi-stage random sampling. Research instruments were the demographic questionnaire, the McCree & Costa NEO Personality Questionnaire (1985), Abedi Creativity (1984), Cattell Intelligence (1994), Reza Khani Coping Strategies (2009), and researcher-made questionnaire on parenting role. Chi-square, t-test, analysis of variance, and logistic regression were used for data analysis. **Results:** The results showed that creativity (0/427), parenting role (0/313), education (0/287), conscientiousness (-0/340), and emotion-focused strategy (-0/014) explained career success of household-headed females ($p \leq 0/001$). The findings of the present study also led to a mathematical model of empowering household-headed females. **Conclusions:** Creativity, parenting role, education, conscientiousness, and emotion-focused strategy can be used to promote appropriate empowerment of household-headed females covered by the Welfare Organization. **Key words:** Career success, Household-headed females, Personality traits, Creativity, Coping

Corresponding Author: hpssr@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده اول است.

^۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن ایران

^۱. Ph D Student in Counseling, Department of Counselling, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran

^۲. استاد، گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول)

^۲. Professor, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran (Corresponding Author)

پذیرش نهایی: ۹۸/۰۴/۲۴

دریافت: ۹۸/۰۳/۰۳

مقدمه

از دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی به بعد، جهان شاهد یک تحول جمعیت شناختی ویژه بود که با شدت و ضعف‌هایی در چهار گوشه جهان تا به امروز ادامه داشته و همچنان هم ادامه دارد. یکی از مهمترین تحولات جمعیت شناختی صورت گرفته در دو دهه گذشته، پیرامون ازدواج و نهاد خانواده رخ داده است به گونه‌ای که رشد فزاینده رخدادهایی نظیر افزایش طلاق، زندگی مشترک بدون ازدواج، روابط آزاد جنسی باعث افزایش تعداد خانواده‌های تک سرپرست شده است (چانت، ۲۰۱۷). طبق گزارش اداره آمار آمریکا^۱ در سال ۲۰۱۸ در حدود ۲۴ درصد از کودکان انگلیسی در خانواده‌های تک سرپرست به سر می‌برند (مبلان، مکوفان و کادیم، ۲۰۱۹). این پدیده در ایران نیز از دهه ۸۰ شمسی به بعد ناظران و کارشناسان امور اجتماعی و روانشناختی را به جستجو و مطالعه بیشتر در خصوص علل آن و نیز راهکارهای کنارآمدن با پیامدها و تبعات اجتناب ناپذیر آن واداشته است. طبق نظر مؤلفان دایره المعارف بین المللی ازدواج و خانواده^۲، تک سرپرستی خانوار^۳ یا خانواده تک والد^۴ به خانواده‌هایی گفته می‌شود که تنها یکی از والدین زن یا مرد به دلایل مختلفی از جمله فوت همسر یا طلاق، مسئولیت خانواده را بر عهده دارد (فلچر، ۲۰۱۹). زنان سرپرست خانوار نیز افرادی هستند که عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد یا ازکارافتادگی همسر یا پدر، رها شدن توسط مردان مهاجر یا بی‌مبالات، باعث سرپرستی آنها بر خانواده شده است (چانت، ۲۰۰۴). چنین به نظر می‌رسد که زندگی خانواده‌های زن سرپرست غالباً با مشکلات فراوانی مواجه است. از جمله این مشکلات می‌توان به مسائل اقتصادی حاد، زندگی در تنهایی، همراه با افسردگی و ناامیدی که بیشتر ناشی از نگرش منفی جامعه نسبت به زنان تنها، مطلقه و بیوه است، اشاره نمود (امیرتالینگام و لاکشمان، ۲۰۱۲؛ چانت، ۲۰۰۴). از طرفی روابط اجتماعی این گروه از زنان در فقدان حضور همسر در خانواده خدشه‌دار شده و مشکلات بسیاری را برای آنها به همراه می‌آورد. ایفای نقش‌های چندگانه که گاهی در تعارض با یکدیگر نیز تعریف می‌شوند سبب خستگی جسمی و روحی آنان می‌شود (الماسی، ۱۳۹۵). بنابراین، به طول کلی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های تک والد به ویژه زنان سرپرست خانوار با مشکلاتی از قبیل مشکلات اقتصادی،

مشکلات رفتاری - اجتماعی کودکان، مشکلات تحصیلی کودکان، تنیدگی و افسردگی در زنان خانوار روبه‌رو هستند و کیفیت زندگی آنها در معرض تهدید است (هورل و کریشنان، ۲۰۰۷؛ الماسی، ۱۳۹۵؛ محمدی، برجعلی و سهرابی، ۱۳۹۷؛ رضایی و محمودی، ۱۳۹۷).

در این بین زنانی می‌توانند به طور موفقیت آمیزی زندگی خود را اداره کنند که توانمندی لازم را داشته باشند (شیرافکن کوپکن و محمودی، ۱۳۹۷). شاید بتوان گفت که توانمندسازی زنان سرپرست خانوار یکی از مؤثرترین راهکارهای خارج کردن آنها از شرایط حاد و بحرانی فعلی آنان باشد (اکبری ترکمانی، قاسمی و آقا بابایی، ۱۳۹۷؛ دوئیک و ترتیل، ۲۰۱۱). یکی از مسائل مهم در موضوع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، افزایش اقتدار آنها به لحاظ روانشناختی و اجتماعی است. برخی از صاحب‌نظران، توانمندسازی زنان را فائق آمدن آنها بر شرم بی‌مورد خود تعریف می‌کنند به نحوی که کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به خود و اطمینان خاطر باشد و آنها را قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خود، استعدادها و محدودیت‌هایش نماید، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را در او ایجاد نماید و شرایطی را بوجود آورد تا در نهایت با افزایش توانمندی، بتواند به هدف‌های مورد نظر خود دست یابد (کلانتری، شعبانعلی قمی و سروش مهر، ۱۳۸۹). در همین راستا، نظریه‌های توانمندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب آنان در زندگی است (کبیر، ۲۰۰۵؛ ترجمه صادقی، خاتم، مداح و محمدی، ۱۳۸۹). بنابراین می‌توان گفت که یکی از مهمترین اهداف توانمندسازی زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار، ایجاد اشتغال مؤثر و پایدار برای آنها است (آکرمنز و تیمز، ۲۰۱۷). موفقیت شغلی به عنوان مجموعه‌ای از عوامل روانشناختی، اجتماعی، تحصیلی، فیزیکی و اقتصادی تعریف شده که با هم ترکیب و مسیر موفقیت شغلی افراد را در طول زندگی شکل می‌دهند (پاتون و مک ماهون، ۲۰۱۴). موفقیت شغلی که یکی از اهداف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است؛ ضمن تسهیل روند اداره زندگی زنان سرپرست خانوار، بر شخصیت و سلامت روانی آنها نیز اثرات مطلوبی را به جای می‌گذارد (گلیسن و دی گراف، ۲۰۰۶). با در نظر گرفتن

³. Single-headed household

⁴. Single-parent family

¹. United States Census Bureau

². International Encyclopedia of Marriage and Family

موارد بالا می توان گفت که عواملی هستند که موفقیت شغلی را تحت تأثیر قرار می دهند که توجه به آنها می تواند در پیشبرد اهداف توانمندسازی و موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار بسیار مؤثر باشد؛ این عوامل را می توان در عوامل جمعیت شناختی از قبیل تحصیلات، سن و عوامل جمعیت شناختی دیگر و همچنین عوامل روانشناختی از قبیل خلاقیت، هوش، نقش تربیتی والدین، شخصیت و راهبردهای کنار آمدن جستجو کرد.

پژوهش هایی برای اندازه گیری نقش ویژگی های جمعیت شناختی و روانشناختی در موفقیت شغلی انجام شده است. در این راستا محققانی چون منفرد، رجب بیگی و یاسمی (۱۳۹۴)، مندوزا و هانتیوروس (۲۰۱۷) و والدینا، ناگی و کولر (۲۰۱۵) بیان می کنند که متغیرهایی از قبیل میزان تحصیلات، سن، تعداد فرزندان می تواند در موفقیت شغلی تأثیرگذار باشد. محققانی چون چن، چانگ و لو (۲۰۱۵)، آروگان داده و آورگان داده (۲۰۱۵)، گوردون و کوی (۲۰۱۵)، یزدخستی، سیمبار و عبدی (۲۰۱۵)، صادقیور و فتحی چهارراه (۱۳۹۵)، سوری و زروندی (۱۳۸۵) نیز بیان می کنند که متغیرهایی از قبیل خلاقیت، نقش تربیتی والدین، انگیزش، شخصیت، توانمندسازی و رضایت در موفقیت شغلی تأثیرگذار است. والدینا و همکاران (۲۰۱۵) در یک مطالعه به بررسی رابطه ی بین توانایی های شناختی و تحصیلی، علایق شغلی و ویژگی های شخصیتی با موفقیت شغلی پرداختند و گزارش دادند که مجموعه ای از متغیرها می توانند موفقیت شغلی را پیش بینی کنند، از جمله عوامل شخصیتی، باورهای شناختی و سطح تحصیلات افراد. این پژوهش نشان داد که سطح تحصیلات با موفقیت حرفه ای بیشترین ارتباط را دارد و کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، می توانند با آگاهی بالاتری در شغل خود عمل کنند. گوردون و کوی (۲۰۱۵) در پژوهش خود به نقش رفتارهای مثبت والدین با موفقیت شغلی فرزندان اشاره می کنند. در پژوهش دیگری ریوردان و لوپو تگیت (۲۰۱۱) نشان دادند که افرادی که موفقیت شغلی دارند از خلاقیت بیشتری برخوردارند. در پژوهش های داخلی نیز به نقش مؤلفه های جمعیت شناختی و روانشناختی در موفقیت شغلی اشاره شده است (برای مثال: اکبری ترکمانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ صادقیور و فتحی چهارراه، ۱۳۹۵؛ منفرد و همکاران، ۱۳۹۴؛ سوری و زروندی، ۱۳۸۵). اما آنچه که بنظر می رسد در پژوهش ها به آن توجه ویژه ای نشده است، نقش عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی مؤثر بر اشتغال موفقیت آمیز زنان

سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی به منظور ارائه مدلی برای آنها می باشد. یعنی اگرچه در پژوهش های قبلی، برخی از ویژگی های روانشناختی از قبیل خلاقیت و شخصیت و همچنین ویژگی های جمعیت شناختی از قبیل تحصیلات و سن در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مورد توجه قرار گرفته است؛ اما پژوهشی که یکجا و به صورت جامع ویژگی های جمعیت شناختی و برخی ویژگی های روانشناختی که می توانند بر موفقیت شغلی اثر بگذارند و از این طریق به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بپردازد، یافت نشد. بنابراین، یکی از ویژگی های متمایز این پژوهش، جامعیت آن در بررسی متغیرهای مختلف و همچنین توجه به موفقیت شغلی به عنوان متغیر میانجی در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می باشد.

توجه به این موضوع از این جهت حائز اهمیت می باشد که زنان سرپرست خانوار، جامعه انسانی قابل توجهی را در کشور تشکیل می دهد که بنابر آمار مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷) در حدود ۳ میلیون از جمعیت کشور را تشکیل می دهد و مشکلات این قشر می تواند هزینه های مادی و معنوی سرسام آوری را بر جامعه تحمیل کند. مشکلاتی از قبیل مشکلات اقتصادی از قبیل فقر، تنیدگی و افسردگی این زنان، مشکلات تحصیلی کودکان این زنان و دیگر مشکلات اجتماعی و فرهنگی (هول و کریشان، ۲۰۰۷؛ الماسی، ۱۳۹۵؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رضایی و محمودی، ۱۳۹۷). بنابراین، از یک سو با توجه به اهمیت موضوع و اینکه اگر زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی که معمولاً در شرایط بسیار نامساعدی به سر می برند و اشتغالزایی برای آنها با سختی ها و محدودیت های بسیاری روبه رو است و اگر آنها را به اشتغال موفقیت آمیز مجهز کنیم باعث ارتقای سلامت روان، کاهش مشکلات اقتصادی، ارتقای حرمت خود، احساس رضایت از خود، خودپنداشت مثبت، خودکارآمدی و رشد شخصی می شود (خامیسا، اولدنبگ، پلتر و ایلچ، ۲۰۱۵؛ احمدی چگنی، نیسی و ارشدی، ۱۳۹۴؛ کاهه و هیودی، ۱۳۹۱)؛ و از سوی دیگر، با توجه به اینکه پژوهشی که مستقیماً به بررسی عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی مؤثر در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی به منظور ارائه مدل موفقیت برای آنان پرداخته باشد، پیدا نشده است؛ در این پژوهش محققان به دنبال پاسخگویی به سه سؤال اصلی زیر بودند.

قابلیت اعتماد ۰/۸۷ گزارش شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بر حسب مورد از روش‌های آماری مجذور خی، آزمون t، تحلیل واریانس و در نهایت رگرسیون لجستیک استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها عبارت بود از SPSS 19 که یکی از نرم افزارهای آماری قدرتمند و شناخته شده در بین پژوهشگران و متخصصان آماری می‌باشد. در انجام این پژوهش ملاحظات اخلاق حرفه‌ای پژوهش نیز در نظر گرفته شد. بدین صورت که قبل از شروع تحقیق، روند پژوهش، اهداف آن، مدت زمانی که صرف خواهد شد و فواید احتمالی پژوهش برای شرکت کنندگان در تحقیق توضیح داده شد. اعضای شرکت کننده در تحقیق با اطلاع کامل و داوطلبانه در فرآیند تحقیق مشارکت داشتند. به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که در هر مرحله از فرآیند تحقیق که بخواهند می‌توانند از ادامه حضور در پژوهش انصراف دهند و اصل رازداری اطلاعات شرکت کنندگان پژوهش رعایت شده است.

ابزار

پرسشنامه محقق ساخته جمعیت شناختی: برای استخراج اطلاعات مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه، سؤالاتی در ابتدای پرسشنامه گنجانده شد و در این سؤالات مواردی از قبیل سن، وضعیت تأهل، علت سرپرستی خانواده توسط زن (شامل فوت همسر، از کار افتادگی همسر، طلاق)، وضعیت سلامت، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، وضعیت بهره مندی از بیمه‌ها، و وضعیت اشتغال آورده شد.

پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو: این پرسشنامه توسط مک کری و کاستا در سال ۱۹۸۵ تدوین شده است. برای ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی افراد مورد مطالعه، از فرم کوتاه آزمون شخصیتی نئو استفاده شد. این پرسشنامه ۶۰ گویه دارد که پنج بعد شخصیتی وان نژندی، برون گرایی - درون گرایی، اشتیاق به تجارب تازه، توافق پذیری، وظیفه شناسی را می‌سنجد و برای هر بعد ۱۲ گویه وجود دارد. این پرسشنامه در قالب مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم درجه بندی شده است. قابلیت اعتماد این پرسشنامه توسط گروسی فرشی (۱۳۸۰) به مقدار ۰/۷۸ گزارش شده است. درستی این پرسشنامه نیز در این پژوهش با استفاده از نظرات متخصصان مورد تأیید قرار گرفت؛ قابلیت اعتماد با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد.

(۱) عوامل جمعیت شناختی مؤثر در اشتغال موفقیت آمیز زنان

سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کدامند؟

(۲) عوامل روانشناختی مؤثر در اشتغال موفقیت آمیز زنان

سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کدامند؟

(۳) مدل موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش

سازمان بهزیستی بر اساس عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی چگونه می‌باشد؟

روش

روش این پژوهش از نوع کمی و پیمایشی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی در استان‌های تهران و البرز (شهرهای تهران و کرج) در طول سال‌های ۱۳۹۴ لغایت ۱۳۹۷ است. حجم نمونه در هر گروه از زنان موفق و ناموفق ۲۰۰ نفر محاسبه گردید. بنابراین در مجموع ۴۰۰ نفر زن سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه مطلوب، در نظر گرفته شد. اما در پایان تنها ۲۶۶ نفر از شرکت کنندگان به پرسشنامه‌ها بدون عیب و نقص جواب دادند. روش نمونه گیری این پژوهش، تصادفی چند مرحله‌ای بود. ملاک‌های ورود برای این پژوهش عبارت بودند از: سرپرست بودن زن خانوار، تحت پوشش سازمان بهزیستی بودن زن سرپرست خانوار و ساکن بودن زنان سرپرست خانوار در دو استان تهران و البرز. معیارهای خروج به این شرح بود که زنانی که سرپرست خانوار نباشند، زنانی سرپرست خانواری که تحت پوشش سازمان بهزیستی نباشد و یا زنان سرپرست خانواری که تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند اما در استان‌هایی غیر از تهران و البرز ساکن هستند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه جمعیت شناختی، پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی نئو، پرسشنامه خلاقیت عابدی، آزمون هوش کتل، پرسشنامه راهبردهای کنار آمدن و پرسشنامه محقق ساخته نقش تربیتی والدین. درستی و قابلیت اعتماد بعضی از ابزارها توسط پژوهشگران قبلی تأیید شده بود اما درستی و اعتبار پرسشنامه محقق ساخته نقش تربیتی والدین با استفاده از آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی توسط مجری بررسی و تأیید شد. در این پژوهش برای پرسشنامه شخصیت قابلیت اعتماد ۰/۷۹، برای آزمون هوش کتل قابلیت اعتماد ۰/۸۴، برای پرسشنامه خلاقیت عابدی قابلیت اعتماد ۰/۸۹، برای راهبردهای کنار آمدن رضاخانی قابلیت اعتماد ۰/۷۴، و برای نقش تربیتی والدین (که از آزمون محقق ساخته تجربیات دوران کودکی زنان سرپرست خانوار استفاده شده بود)،

پرسشنامه خلاقیت عابدی: این پرسشنامه بر اساس نظریه تورنس درباره خلاقیت توسط عابدی (۱۳۷۲) تدوین شده است که شامل ۶۰ گزینه می باشد و چهار خرده مقیاس سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف-پذیری را می سنجد. این پرسشنامه در قالب مقیاس لیکرتی سه درجه ای الف، ب و ج تنظیم شده است که به ترتیب نمره ۱، ۲ و ۳ به آنها تعلق می گیرد. نمره بالاتر به معنای داشتن قدرت خلاقیت بیشتر می باشد. در پژوهش بنی هاشم، رضایی، بدلی و دانا (۱۳۹۳) قابلیت اعتماد این ابزار ۰/۸۱ گزارش شده است. درستی این پرسشنامه نیز در این پژوهش با استفاده از نظرات متخصصان مورد تأیید قرار گرفت؛ قابلیت اعتماد با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ بدست آمد.

آزمون هوش کتل: این آزمون توسط ریموند کتل در سال ۱۹۹۴ تدوین شده است. مهمترین ویژگی آزمون کتل، نابسته به فرهنگ بودن آن است. در این پژوهش از مقیاس ۲ آزمون کتل برای تعیین بهره هوشی زنان سرپرست خانوار استفاده شده است. در آزمون هوش کتل (مقیاس ۲)، هر یک از فرم های A و B در برگزیده ۴۶ سؤال و در مجموع این تست دارای ۹۲ سؤال می باشد. قابلیت اعتماد این پرسشنامه توسط عنایتی، گل محمدنژاد بهرامی و مصرآبادی (۱۳۹۶) به مقدار ۰/۸۷ گزارش شده است. درستی این پرسشنامه نیز در این پژوهش با استفاده از نظرات متخصصان مورد تأیید قرار گرفت؛ قابلیت اعتماد با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ بدست آمد.

پرسشنامه راهبردهای کنارآمدن: این پرسشنامه در سال ۱۳۹۰ توسط سیمین دخت رضاخانی و بر اساس نظریه های فروید، لازاروس و فولکمن، بلاکر، بیلینگز و موس، کروهن، زیدنر و اندلر ساخته و هنجاریابی شده است. نتیجه این هنجاریابی که در مورد ۶۳۵ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن انجام شده بود، یک پرسشنامه ۴۹ سؤالی با طیف لیکرتی ۴ درجه ای است که سه شیوه مسأله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار را نشان می دهد. روش نمره گذاری پرسشنامه به صورت گزینه های تقریباً هیچ وقت، گاهی اوقات، بیشتر اوقات و تقریباً همیشه با نمره های ۱ تا ۴ انجام می شود. سپس مجموع نمره های خام با هنجار آزمون که بر حسب T محاسبه شده است، مقایسه و وضعیت آزمودنی در ارتباط با هر یک از سه مؤلفه آزمون مشخص می شود. افرادی که در نمره T بیش از یک انحراف معیار بالاتر از میانگین باشند، راهبرد مورد نظر را بیش از راهبردهای دیگر به کار می برند و کسانی که بیش از یک انحراف معیار زیر میانگین قرار بگیرند، راهبرد مورد نظر را کمتر به کار

می برند (رضاخانی، ۱۳۹۰). آلفای این پرسشنامه توسط رضاخانی (۱۳۹۰) به مقدار ۰/۷۹ گزارش شده است. درستی این پرسشنامه نیز در این پژوهش با استفاده از نظرات متخصصان مورد تأیید قرار گرفت؛ قابلیت اعتماد با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمد.

پرسشنامه محقق ساخته نقش تربیتی والدین: این پرسشنامه توسط محقق در قالب ۱۰ سؤال تنظیم شده است. طیف سؤالات به دلیل محتوای سؤالات، متفاوت بود و در مجموع یک سؤال سه گزینه ای، یک سؤال چهار گزینه ای و هشت سؤال پنج گزینه ای در این پرسشنامه گنجانده شد. نمره گذاری این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی انجام می شود. در بعضی پرسش ها با توجه به ماهیت سؤال، نمره هابه صورت صعودی و در برخی دیگر نمره گذاری به صورت معکوس انجام می شود. نمره بالا به معنی داشتن تجارب مثبت بیشتر و نمره پایین به معنی داشتن تجارب منفی بیشتر در زمان کودکی به شمار می رود. در مرحله بعد، نظرات ۶ داور که همگی از اعضاء هیات علمی دانشگاه در رشته روانشناسی یا مشاوره بودند در خصوص پرسشنامه گرفته شد و پرسشنامه مورد ارزیابی و اصلاح قرار گرفت. در نهایت این داورها، درستی محتوایی آن را مورد تأیید قرار دادند (۰/۷۹). سپس از طریق اجراء پایلوت پرسشنامه بر روی حجم نمونه کوچک (۳۰ نفری) و انجام آزمون آلفای کرونباخ، قابلیت اعتماد آن سنجیده و نهایی گردید (۰/۸۷).

یافته ها

یافته های این پژوهش به شرح زیر می باشد:

سؤال اول) عوامل جمعیت شناختی مؤثر در اشتغال موفقیت آمیز

زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کدامند؟

متغیرهای جمعیت شناختی که برای پاسخ گویی به سؤال اول پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند عبارت بودند از: سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، علت سرپرستی خانوار، وضعیت سلامت، تعداد فرزندان، وضعیت سلامت فرزندان و وضعیت بیمه زنان سرپرست خانوار. جدول ۱ نتایج مربوط به این متغیرها را ارائه می دهد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها برای متغیرهای جمعیت شناختی در جدول ۱ نشان می‌دهد که مجذور خی بدست آمده تنها برای متغیرهای تحصیلات و وضعیت سلامت زنان سرپرست خانوار معنی دار است و متغیرهای دیگر یعنی سن، وضعیت تأهل، علت سرپرستی خانوار، تعداد فرزند، سلامت فرزند و وضعیت بیمه، از لحاظ آماری معنی دار نبودند.

سؤال دوم) عوامل روانشناختی مؤثر در اشتغال موفقیت‌آمیز زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کدامند؟ متغیرهای روانشناختی که در این بخش مورد بررسی قرار گرفتند عبارتند از: ویژگی‌های شخصیتی، هوش، خلاقیت، نقش تربیتی والدین و راهبردهای کنارآمدن. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح زیر می‌باشد.

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین دو گروه زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق در ابعاد روان آزرده‌گی گرای، برون گردی و انعطاف‌پذیری تفاوت معنادار وجود دارد. اما در ابعاد دلپذیر بودن و وجدانی بودن، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.

نتایج تحلیل واریانس برای متغیرهای هوشبهر و خلاقیت در جدول ۳ نشان می‌دهد که هوشبهر زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق با هم تفاوت معناداری ندارند اما در رابطه با متغیر خلاقیت، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که بین میانگین نمره‌های نقش تربیتی والدین زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق تفاوت معنادار وجود ندارد.

جدول ۱. نتایج مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی			
متغیر	سطح	χ^2	Sig
سن	کمتر از ۳۵ سال	۰/۳۴۵	۰/۸۴۲
	۳۶ تا ۵۰ سال		
تحصیلات	بیشتر از ۵۰ سال	۲۱/۵۵۶	۰/۰۰۱
	بی سواد		
وضعیت تأهل	در حد ابتدایی	۴/۷۱۱	۰/۰۹۵
	متوسطه یا کمتر از دیپلم		
علت سرپرستی خانوار	دیپلم یا فوق دیپلم	۴/۴۸۸	۰/۲۱۳
	لیسانس و بالاتر		
وضعیت سلامت	متأهل	۸/۱۰۱	۰/۰۴۴
	مطلقه		
تعداد فرزند	بیوه	۲/۳۷۹	۰/۴۹۸
	فوت همسر		
سلامت فرزند	طلاق	۰/۶۳۷	۰/۶۳۸
	از کارافتادگی همسر		
وضعیت بیمه	عدم حضور همسر	۰/۸۷۴	۰/۳۷۰
	سالم		
	بیماری جسمی		
	بیماری روانی		
	بیماری جسمی و روانی		
	بدون فرزند		
	۱ یا ۲ فرزند		
	۳ یا ۴ فرزند		
	۵ فرزند یا بیشتر		
	دارای فرزند معلول		
	بدون فرزند معلول		
	دارای بیمه		
	بدون بیمه		

جدول ۲. تحلیل واریانس برای مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق							
متغیر	ابعاد	SS	df	MS	F	sig	η^2
شخصیت	روان آزرده‌گی گرای	۵۴۷/۰۹۶	۱	۵۴۷/۰۹۶	۱۰/۴۹۸ ^{***}	۰/۰۰۱	۰/۰۳۸
	برون گردی	۳۱۵/۸۰۱	۱	۳۱۵/۸۰۱	۷/۷۹۳ ^{***}	۰/۰۰۶	۰/۰۲۹
	انعطاف‌پذیری	۱۲۶/۶۳۴	۱	۱۲۶/۶۳۴	۶/۳۱۵ [*]	۰/۰۱۳	۰/۰۲۳
	دلپذیر بودن	۵۹/۷۷۴	۱	۵۹/۷۷۴	۲/۰۵۵	۰/۱۵۳	۰/۰۰۸
	وجدانی بودن	۷۱/۹۷۷	۱	۷۱/۹۷۷	۲/۱۷۵	۰/۱۴۱	۰/۰۰۸

جدول ۳. تحلیل واریانس برای مقایسه هوشبهر و خلاقیت در زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق							
متغیر	SS	df	MS	F	sig	η^2	
هوشبهر	۸/۵۲۴	۱	۸/۵۲۴	۱/۳۰۵	۰/۲۵۴	۰/۰۰۵	
خلاقیت	۴۵۰۶/۶۵۹	۱	۴۵۰۶/۶۵۹	۲۴/۲۴۷ ^{***}	۰/۰۰۱	۰/۰۸۴	

جدول ۴. خلاصه یافته‌های تحلیل آماری نقش تربیتی والدین در دو گروه زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق						
موفق (n=۱۵۹)			ناموفق (n=۱۰۷)			مقایسه
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	T	sig	
۲۱/۸۳	۷/۲۵۳	۲۰/۳۶	۷/۷۱۳	۱/۵۸۵	۰/۱۱۴	
جدول ۵. تحلیل واریانس برای مقایسه راهبردهای کنارآمدن زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق						
ابعاد	SS	df	MS	F	sig	η^2
مسأله‌مدار	۲۸/۹۳۵	۱	۲۸/۹۳۵	۰/۹۴۷	۰/۳۳۱	۰/۰۰۴
هیجان‌مدار	۶۲۰/۲۶۶	۱	۶۲۰/۲۶۶	۱۳/۴۶۴ [*]	۰/۰۰۱	۰/۰۴۹
اجتنابی	۴۰/۱۷۱	۱	۴۰/۱۷۱	۲/۰۹۷	۰/۱۴۹	۰/۰۰۸

نتایج تحلیل واریانس برای متغیر راهبردهای کنارآمدن نشان می‌دهد که تنها میانگین نمره راهبرد هیجان‌مدار بین دو گروه زنان سرپرست خانوار موفق و ناموفق تفاوت معنادار دارد و راهبردهای کنارآمدن مسأله‌مدار و اجتنابی بین دو گروه تفاوت معناداری ندارد.

سؤال سوم) مدل موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی بر اساس عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی چگونه می‌باشد؟
به منظور تعیین مدل مناسب برای موفقیت زنان سرپرست خانوار از تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شد.

جدول ۶. یافته‌های مدل استاندارد موفقیت زنان سرپرست خانوار							
متغیرها	ابعاد	B	S.E	SD	β	Wald	Sig
تحصیلات	روان آزرده‌گری	-۰/۰۱۸	۰/۰۲۷	۷/۳۷۴	-۰/۱۳۲	۰/۴۷۴	۰/۴۹۱
	برون‌گردی	۰/۰۱۶	۰/۰۲۸	۶/۴۴۷	۰/۱۰۳	۰/۳۱۶	۰/۵۷۴
	انعطاف‌پذیری	۰/۰۱۳	۰/۰۳۶	۴/۵۲۳	۰/۰۵۹	۰/۱۲۳	۰/۷۲۶
شخصیت	دلپذیربودن	۰/۰۱۲	۰/۰۳۱	۵/۴۰۴	۰/۰۶۵	۰/۱۴۸	۰/۷۰۱
	وجدانی بودن	-۰/۰۵۹	۰/۰۳۲	۵/۷۶۵	-۰/۳۴۰	۳/۴۴۵	۰/۰۶۳*
	هوش‌بهر	۰/۰۱۲	۰/۰۵۴	۲/۵۵۷	۰/۰۳۱	۰/۰۵۱	۰/۸۲۱
متغیرهای شناختی	خلاقیت	۰/۰۳۰	۰/۰۱۵	۱۴/۲۱۹	۰/۴۲۷	۴/۰۹۰	۰/۰۴۳**
	نقش تربیتی والدین	۰/۰۴۲	۰/۰۲۰	۷/۴۶۳	۰/۳۱۳	۴/۴۲۱	۰/۰۳۵**
	مسأله‌مدار	۰/۰۲۹	۰/۰۳۳	۵/۵۲۸	۰/۱۶۰	۰/۷۳۱	۰/۳۹۳
سبک کنارآمدن	هیجان‌مدار	-۰/۰۵۹	۰/۰۲۸	۶/۹۴۵	-۰/۴۱۰	۴/۲۵۹	۰/۰۳۹**
	اجتنابی	۰/۰۰۸	۰/۰۳۸	۴/۳۸۶	۰/۰۳۵	۰/۰۴۳	۰/۸۳۵

طبق یافته‌های مدل استاندارد موفقیت زنان سرپرست خانوار، از ویژگی‌های شخصیتی تنها بعد وجدانی بودن معنادار است. همچنین متغیرهای خلاقیت، نقش تربیتی والدین، تحصیلات و راهبرد هیجان‌مدار معنادار بودند.

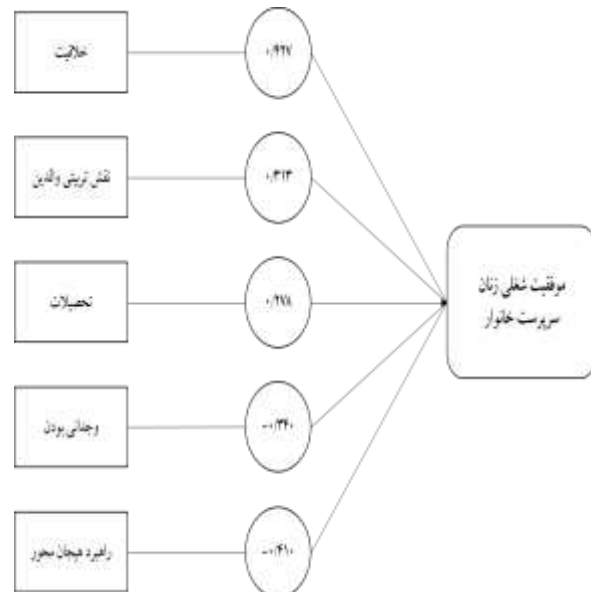
با توجه به یافته‌های مدل استاندارد، مدل آماری مناسب برای موفقیت زنان سرپرست خانوار که مبتنی بر مؤلفه‌های جمعیت شناختی و روانشناختی می‌باشد، به صورت زیر می‌باشد.

همانگونه که در شکل مشاهده می‌شود، از بین تمام متغیرهایی که مطالعه کردیم، فقط متغیرهای خلاقیت، تحصیلات، نقش تربیتی

والدین، وجدانی بودن و راهبرد هیجان‌محور در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار معنی‌دار بود که ضرایب هر یک از آنها در شکل بالا مشخص شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود نقش خلاقیت از همه بالاتر و نقش تحصیلات از همه پایین‌تر است. این در حالی است که دو متغیر راهبرد هیجان‌مدار و وجدانی بودن دارای رابطه معکوس با موفقیت شغلی بوده‌اند.

معتقدند آن دسته از زنان متأهل تحت پوشش که دارای همسران از کار افتاده، بیمار، متواری یا زندانی هستند نسبت به زنان سرپرست خانواری که همسران خود را بدلیل طلاق یا فوت از دست داده‌اند شرایط بدتری را تجربه می‌کنند و بعضاً شرایط و امکانات کمتری برای اشتغال و توانمندسازی دارند (الماسی، ۱۳۹۵). از طرفی دیگر پژوهشگرانی مانند منفرد، رجب بیگی و یاسمی (۱۳۹۴)، گروسی و قربان زاده (۱۳۸۶) نیز نشان دادند که وضعیت تأهل در موفقیت شغلی زنان تأثیرگذار است و زنان متأهل موفقیت شغلی بیشتری را تجربه می‌کنند. بنظر می‌رسد تناقض یافته‌ها به دلایلی از قبیل جامعه آماری، محیط مورد مطالعه و ابزار اندازه گیری بر می‌گردد. نتایج یافته‌های پیشین در رابطه با وضعیت سلامت زنان سرپرست خانوار بر اهمیت و نقش اثرگذار این عامل در موفقیت شغلی اشاره دارند. برای مثال می‌توان به یافته‌های افشانی و فاتحی (۱۳۹۵)، حسینی، فروزان و امیرفریار (۱۳۸۸)، ریماز و همکاران (۱۳۹۳)، و روزلینی و همکاران (۲۰۱۷) اشاره نمود. بنابراین، یافته‌های پژوهش پیشین با یافته‌های این پژوهش همسو است. داشتن یا نداشتن فرزند و همچنین وضعیت سلامت فرزند اگرچه بنظر می‌رسند که عوامل اثرگذار باشند، اما نتیجه معناداری در این پژوهش حاصل نشد که این یافته‌ها با یافته پژوهش روزلینی و همکاران (۲۰۱۷) همسو است. یافته‌های این پژوهش در رابطه با متغیر تحصیلات همسو با نتایج پژوهش‌های محمدپور، ولدخانی، اوضاعی و آسایش (۱۳۹۶)، افشانی و فاتحی (۱۳۹۵) و والودینا و همکاران (۲۰۱۵) بود که نشان دادند سطح تحصیلات با موفقیت شغلی در ارتباط است. یکی از تبیین‌هایی که می‌توان از این یافته بدست آورد این است که در سطوح پایین تحصیلی، بدلیل کم بودن سطح معلومات و شناخت‌های فرد، تصمیم‌های مرتبط با انتخاب شغل و نگهداری آن، به طور مناسبی انجام نمی‌شود. در حالی که زن سرپرست خانوار با سطح تحصیلات عالی می‌تواند با موقعیت‌های شغلی بهتری با توجه با شایستگی‌های علمی و عملی که دارد، روبه رو شود.

سؤال دوم پژوهش به بررسی متغیرهای روانشناختی مؤثر در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار پرداخته بود که نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی روان آزرده‌گی‌گرایی، برون‌گرایی و انعطاف‌پذیری، متغیر شناختی خلاقیت، و راهبرد هیجان‌مدار می‌تواند در موفقیت شغلی این زنان تأثیر داشته باشد. نتایج پژوهش‌های پیشین در این زمینه نیز، یافته حاضر را تأیید می‌کند؛ در این راستا رضایی



شکل ۱. مدل مناسب برای موفقیت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش

سازمان بهزیستی

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، محققان تلاش کردند تا عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی مؤثر بر اشتغال موفقیت‌آمیز زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی را شناسایی کنند و سپس مدل آماری برای موفقیت شغلی این زنان ارائه دهند. این پژوهش به سه سؤال اساسی پاسخ داد که در این بخش به بحث و نتیجه‌گیری از یافته‌های مربوط به هر یک از این سؤالات می‌پردازیم.

سؤال اول پژوهش در رابطه با متغیرهای جمعیت شناختی دخیل در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار بود که نتایج نشان داد متغیرهای سن، وضعیت تأهل، علت سرپرستی خانواده توسط زن، تعداد فرزندان، سالم یا معلول بودن فرزند و وضعیت بیمه، تأثیر معناداری بر موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار ندارد. اما این نتایج برای متغیرهای وضعیت سلامت زن سرپرست خانوار و همچنین سطح تحصیلات، معنادار بود. در رابطه با متغیر سن، یافته این پژوهش با یافته‌های پژوهش منفرد و همکاران (۱۳۹۴) ناهمسو است؛ اما با یافته پژوهش ریوردان و لوپوتگیتز (۲۰۱۱) همسو است. وجود این یافته‌های متناقض می‌تواند به دلایلی از قبیل تنوع جامعه آماری پژوهش‌های مختلف باشد؛ لیکن می‌توان گفت از آنجایی که زنان سرپرست خانوار باید برای ادامه زندگی و سرپا نگه داشتن اقتصاد خانواده تلاشی دوچندان داشته باشند، در هر سن و سالی که باشند باید بتوانند کار کرده و با اشتغال مستمر، پاسخ‌گوی نیاز خانواده و فرزندان باشند. در رابطه با وضعیت تأهل نیز برخی از متخصصان

استفاده بیش از حد آن می تواند موفقیت شغلی افراد را تحت الشعاع قرار داده و تهدید نماید.

سؤال سوم پژوهش درباره مدل موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار مبتنی بر متغیرهای جمعیت شناختی و روانشناختی بود که از روش تحلیل لجستیک که برای تعیین مدل آماری کاربرد دارد، استفاده شد. طبق یافته های این بخش، انتظار می رود مدلی برای موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی مفید و اثربخش باشد که عواملی از قبیل خلاقیت، نقش تربیتی والدین و تحصیلات به عنوان عوامل سازنده و اثرگذار در آن مطرح باشند و مؤلفه های وجدانی بودن و راهبرد هیجان محور به عنوان عوامل مخرب در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار حضور داشته باشند. یافته های این پژوهش از پشتوانه پژوهشی قوی برخوردار است و اگر به بررسی پیشینه پژوهش پردازیم متوجه می شویم که پژوهش های بسیاری به نقش مثبت این مؤلفه ها در موفقیت شغلی پرداخته اند. برای مثال پژوهش های گل پیچ و همکاران (۱۳۹۷)، صادقیور و فتحی چهارراه (۱۳۹۵)، راهداری، نصر، نیلی و ترک لادانی (۱۳۹۴)، احمدی چگنی و همکاران (۱۳۹۴)، سلمان پور، علی، افخم و شکرزاده (۱۳۹۱)، نایب پور، ذوقی و صالحی (۱۳۹۱)، شعبانی، یلفانی و سیف (۱۳۸۴)، مجید، لیمینگ، تانگ و راهانا (۲۰۱۲)، چن و همکاران (۲۰۱۵) و گوئرزل (۲۰۰۷) نتایج مشابهی را در رابطه با متغیرهای مذکور گزارش داده اند.

در جمع بندی یافته های پژوهش چنین می توان گفت که اشتغال موفقیت آمیز زنان سرپرست خانوار می تواند از بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی که این خانوارها را تهدید می کند، جلوگیری کند. یکی از کلیدی ترین راه ها برای اشتغال موفقیت آمیز زنان سرپرست خانوار، توانمند کردن آنها می باشد که برای این منظور باید عواملی که منجر به این توانمندسازی می شوند بررسی شوند که این پژوهش عوامل جمعیت شناختی و روانشناختی را مورد بررسی قرار داد و طبق یافته های پژوهش پیشنهاد می دهد که برای اشتغال موفقیت آمیز زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی به عواملی از قبیل تحصیلات، خلاقیت، نقش تربیتی والدین به عنوان عوامل سازنده و مثبت و مؤلفه هایی چون وجدانی بودن و هیجان مدار بودن را به عنوان عوامل مخرب در نظر گرفته شوند.

با توجه به اینکه یافته های پژوهش نشان داد خلاقیت در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار تأثیر مثبت دارد. بنابراین، پیشنهاد می شود

کلاتری و عرب زاده طوسی (۱۳۹۶)، سمیعی و رضوانیان (۱۳۹۵)، اصغر زاده مرغلکی، قمری کیوی و رضایی شریف (۱۳۹۵)، نجاری، کرمانی و فرزاد (۱۳۹۳)، لطفی نیا و محسنی نیا (۱۳۸۹)، گلیسن و دی گراف (۲۰۰۶)، نشان دادند که ویژگی های شخصیتی با موفقیت شغلی در ارتباط است. برای مثال، زنان سرپرست خانوار که نوروز گرایی پایین تری دارند، موفقیت شغلی بالاتری داشته اند. با توجه به اینکه، نوروز گرایی تأثیر نامناسبی بر روند موفقیت شغلی می گذارد، پس می توان نتیجه گرفت که یکی از مواردی که در اشتغال زنان سرپرست خانوار، نیازمند بررسی و توجه است، سطوح نوروز گرایی آنها است. همچنین یکی دیگر از عوامل مؤثر بر موفقیت شغلی است برون گردی است و زنان برون گرا، اشتغال موفق تری را به نسبت سایر زنان تجربه کرده اند. با توجه به اینکه یکی از موارد مهم در اشتغال موفق، به ویژه در مشاغل خدماتی (که بخش زیادی از زنان سرپرست خانوار در آن مشغول به کار هستند) برقراری ارتباط مناسب با مشتریان است، تأثیر این مؤلفه بر موفقیت شغلی مورد تأیید بسیاری از محققان است. یکی دیگر از یافته های این پژوهش در بخش ویژگی های شخصیتی این است که زنان دارای انعطاف پذیری بالاتر، در مقایسه با دیگر زنان موفقیت شغلی بالاتری دارند و در واقع انعطاف پذیری بالاتر منجر به کنار آمدن بیشتر با سختی ها و مشکلات زندگی و شغل و در نهایت، موفقیت شغلی می شود. در رابطه با خلاقیت، یافته این پژوهش همسو با یافته های پژوهشگرانی چون ریوردان و لوپوتگیتز (۲۰۱۱)، چن و همکاران (۲۰۱۵) و هون و لویی (۲۰۱۶) است. در این رابطه هون و لویی (۲۰۱۶) معتقد است خلاقیت یک نیاز حیاتی در زندگی انسان است؛ به اعتقاد او مبنا و اساس بسیاری از موفقیت ها در خلق ایده ها و افکار جدید صورت می گیرد. در رابطه با راهبردهای کنار آمدن، نتایج یافته های کوتیلو و همکاران (۲۰۱۸)، حبیبی و صفرزاده (۱۳۹۶)، فردیمن - ویلر و همکاران (۲۰۱۹) نیز این یافته را تأیید می کنند. از نظر الجمال، الحسین و السونای (۲۰۰۲) زمانی که افراد تحت تنیدگی هستند، باید توانش کنار آمدن لازم را داشته باشند تا بتوانند اثر تنیدگی را کاهش دهند؛ لذا چنانچه تنیدگی مدیریت شود و توانش کنار آمدن مؤثر به کار رود، فرد قادر خواهد بود تا با نیازها و چالش های زندگی خود به شیوه ای بهتری کنار آید. با توجه به اینکه سبک های هیجان مدار یکی از سبک های ناکارآمد در مواجهه با شرایط تنش زا به شمار می روند، بنابراین

که تدابیری برای سنجش خلاقیت زنان سرپرست خانوار انجام شود و در صورت پایین بودن نمره خلاقیت آنها، تدابیری در راستای ارتقای خلاقیت آنها اندیشیده شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که نقش تربیتی والدین در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که الگوهای تربیتی کارآمد والدین استخراج و آموزش‌های لازم در راستای بهبود سبک‌های تربیتی والدین به زنان سرپرست خانوار داده شود تا از تأثیر مخرب این عامل بر فرزندان آنها و نسل‌های بعدی کاسته شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که تحصیلات نقش سازنده‌ای در موفقیت شغلی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی دارد. لذا پیشنهاد می‌شود که تدابیری برای ارتقای وضعیت تحصیلی زنان سرپرست خانوار از سوی سازمان بهزیستی اتخاذ شود.

منابع

- احمدی چگنی، سحر؛ نیسی، عبدالکاسم؛ ارشد، نسرين (۱۳۹۴). رابطه متغیرهای شخصیتی و سازمانی با انگیزش شغلی. نشریه بین المللی علوم رفتاری، ۹(۲)، ۱۴۷-۱۳۳.
- اصغرزاده مرغملکی، راضیه؛ قمری کیوی، حسین و رضایی شریف، علی (۱۳۹۵). تعیین رابطه‌ی بین هوش هیجانی و ویژگی‌های شخصیت با موفقیت شغلی در شغل معماری، پنجمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، همایشگران مهر اشراق.
- افشانی، سیدعلیرضا و فاتحی، الهام (۱۳۹۵). توانمندی زنان سرپرست خانوار و عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با آن: مطالعه زنان زیر پوشش کمیته امداد امام خمینی. فصلنامه زن و جامعه، ۱۳۳-۱۵۴ (۲۷).
- اکبری ترکمانی، نسرين؛ قاسمی، وحید و آقابابایی، احسان (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منطقه ۵ شهر اصفهان با تأکید بر مؤلفه اشتغال. فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۶(۳)، ۱۶۷-۱۵۱.
- الماسی، مسعود (۱۳۹۵). بررسی عوامل مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان ساکن مجتمع‌های مسکونی مهرشهر ایلام). فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۴(۱)، ۱۲۷-۱۰۳.
- بنی هاشم، سید کاظم؛ رضائی، عیسی؛ بدلی، مهدی و دانا، علی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر استفاده از یادگیری تلفیقی بر خلاقیت دانشجویان. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴(۱)، ۱۲۸-۱۱۳.

- حبیبی، فاطمه و صفرزاده، سحر (۱۳۹۶). پیش‌بینی استرس شغلی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای، هوش معنوی و تاب‌آوری در کارکنان مبتلا به دردهای مزمن شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۸(۳)، ۷۶-۸۵.
- حسینی، سید احمد، فروزان، آمنه و امیرفریار، معصومه (۱۳۸۸). بررسی سلامت روان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر تهران. نشریه پژوهش اجتماعی، ۲(۳)، ۵۱-۳۷.
- خبرگزاری مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷). آمار زنان سرپرست خانوار در سال ۱۳۹۷. دریافت در تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۰ از <https://www.icana.ir/Fa/News/389500/>
- راهداری، مانده، نصر، احمدرضا، نیلی، محمدرضا و ترک لادانی، بهروز (۱۳۹۴). ارزیابی مهارت‌های حرفه‌ای و وضعیت اشتغال دانش آموختگان کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۱(۲)، ۲۴-۱.
- رضاخانی، سیمین دخت (۱۳۹۰). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه راهبردهای کنار آمدن دانشجویان با استرس. نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۶(۲)، ۱۰۱-۸۳.
- رضایی کلاتتری، مرضیه؛ عرب زاده و طوسی، زکيه (۱۳۹۶). بررسی ارتباط تیپ شخصیتی و خلاقیت در دانشجویان. مجله سلامت و مراقبت، ۲۰(۲)، ۷۸-۶۱.
- رضایی، مهدی و محمودی، فاطمه (۱۳۹۷). بازسازی معنای کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار در کردستان: یک مطالعه کیفی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۰(۱)، ۱۶۵-۱۴۳.
- ریماز، شهناز، دستورپور، مریم، وصالی آذرشریبانی، سمیرا، ساعی‌پور، نرگس، بیگی، زهرا و نجات، سحرناز (۱۳۹۳). بررسی کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در زنان سرپرست خانوار تحت پوشش شهرداری منطقه ۹ شهر تهران. مجله اپیدمیولوژی/ایران، ۱۰(۲)، ۴۸-۵۵.
- سلمان‌پور، علی؛ علی، حسین؛ افخم، محمدرضا و شکرزاده، مرتضی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر هوش عاطفی و عوامل جمعیتی شناختی بر موفقیت شغلی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز). مجله مدیریت بهره‌وری، ۵(۲۰)، ۱۶۴-۱۴۵.
- سمیعی، فاطمه و رضوانیان، فاطمه (۱۳۹۵). موفقیت شغلی ذهنی و عینی: نقش معنویت، شخصیت و آرزوهای شغلی، فصلنامه مشاوره کاربردی، ۶(۱)، ۳۶-۲۳.
- سوری، فاطمه و زروندی، مهدی (۱۳۸۵). بررسی میزان رابطه موفقیت شغلی زنان شاغل با نوع شغل، انگیزش و عوامل شخصیتی آنان. فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان، ۲(۳)، ۷۶-۶۱.

- شعبانی، بهار، غلامرضا؛ یلفانی، علی و سیف، آسیه (۱۳۸۴). تعیین رابطه بین خلاقیت و موفقیت شغلی مربیان تیم‌های ورزشی آموزش و پرورش شهرستان نهاوند. *مجله پژوهش علوم انسانی*، ۶(۱۸)، ۴۴-۵۸.
- شیرافکن کوپکن، علی و محمودی، امیر (۱۳۹۷). اثربخشی توانمندسازی روانشناختی بر مبنای نظریه روانشناسی فردی آدلر بر عزت نفس جنسی و کیفیت روابط زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی. *مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۳(۲۹)، ۶۳-۴۰.
- صادقپور، طیبه و فتحی چهارراه، فرزاد (۱۳۹۵). نقش به کارگیری خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در موفقیت شغلی مدیر و کارکنان. *اولین کنفرانس بین‌المللی کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری*، دریافت از سیلیویکا.
- کاهه، داوود و هیودی، طیبه (۱۳۹۱). رضایت شغلی و سلامت روان. *نشریه پایش*، ۱۱(۳)، ۳۹۷-۳۹۱.
- کبیر، نایله (۱۹۵۰). *توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه*. ترجمه مهسا صادقی، شیما خاتم، سینا مداح و ریحانه محمدی، ۱۳۸۹، تهران: انتشارات آگاه.
- کلانتری، خلیلو شعبانعلی قمی، حسین و سروش مهر، هما (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان). *مجله توسعه محلی (روستائی - شهری)*، ۲(۱)، ۳۱-۲۰.
- گروسی فرشی، میر تقی (۱۳۸۰). رویکردهانی نوین در ارزیابی شخصیت. *نشر دانیال، تبریز*.
- گروسی، سعیده و قربان زاده، رضا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر برخی عوامل مؤثر بر میزان رضایت شغلی و امکان ارتقای شغلی زنان شاغل: شهر کرمان. *مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)*، ۱(۳)، ۵۵-۳۳.
- گل پیچ، زینب؛ محمدنظری، علی؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزالله و کسای اصفهانی، عبدالرحیم (۱۳۹۷). عوامل والدینی مؤثر در رشد شغلی: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۱۰(۳۴)، ۱۳۶-۱۱۳.
- لطفی‌نیا، حسین و محسنی‌نیا، حسین (۱۳۸۹). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با فرسودگی شغلی معلمان ابتدایی تبریز. *نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، ۳(۱۱)، ۹۳-۱۰۶.
- محمدپور، عبدالباسط؛ ولدخانی، مریم؛ اوضاعی، نسرین و آسایش محمدحسن (۱۳۹۴). رابطه بین سطح تحصیلات و اشتغال مادر با خودکارآمدی دانش آموزش پایه ششم مدارس شهر تهران. *مجله سلامت جامعه*، ۹(۱)، ۹-۱.
- محمدی، زهرا؛ برجعلی، احمد و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۷). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی تهران. *مجله روانشناسی روانپزشکی شناخت*، ۵(۵)، ۹۱-۸۱.
- منفرد، نوذر؛ رجب بیگی، مجتبی و یاسمی، مهران (۱۳۹۴). عامل‌های مؤثر بر موفقیت شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های شیلاتی مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۳۳(۱)، ۱۶۹-۱۵۵.
- نایب پور، محمد؛ ذوقی، لیلا و صالحی، سهراب (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش تحصیلات تکمیلی بر موفقیت شغلی دانشجویان. *نشریه انتظام اجتماعی*، ۴(۳)، ۱۴۴-۱۲۷.
- نجاری، رضا؛ کرمانی، بهناز و فرزاد، حسین (۱۳۹۳). رابطه موفقیت شغلی درونی و بیرونی پرستاران با تیپ‌های شخصیتی درونگرا و برونگرا. *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، ۱۸(۷)، ۵۴-۴۲.
- Akkermans, J., & Tims, M. (2017). Crafting your career: How career competencies relate to career success via job crafting. *Applied Psychology*, 66(1), 168-195.
- Al-Gamal, E., Alhosain, A., & Alsunaye, K. (2018). Stress and coping strategies among Saudi nursing students during clinical education. *Perspectives in psychiatric care*, 54(2), 198-205.
- Amirthalingam, K., & Lakshman, R. W. (2012). Impact of displacement on women and female-headed households: A mixed method analysis with a microeconomic touch. *Journal of Refugee Studies*, 26(1), 26-46.
- Arogundade, O. T., & Arogundade, A. B. (2015). Psychological Empowerment in the Workplace: Implications for Employees' Career Satisfaction. *North American Journal of Psychology*, 17(1), 27-36.
- Chant, S. (2004). Dangerous equations? How female-headed households became the poorest of the poor: Causes, consequences and cautions. *IDS bulletin*, 35(4), 19-26.
- Chant, S. (2017). Ingle-parent families: choice or constraint? The formation of female-headed households in Mexican shanty towns. *Development and Change*, 16, 635-56.
- Chen, M. H., Chang, Y. Y., & Lo, Y. H. (2015). Creativity cognitive style, conflict, and career success for creative entrepreneurs. *Journal of Business Research*, 68(4), 906-910.
- Cuttillo, Alexandra, Kathrin Zimmerman, Susan Davies, Avi Madan-Swain, Wendy Landier, Anastasia Arynchyna, and Brandon G. Rocque. (2018). "Coping strategies used by caregivers of children with newly diagnosed brain tumors." *Journal of Neurosurgery: Pediatrics*, 1, 30-39.

- Rosellini, A. J., Street, A. E., Ursano, R. J., Chiu, W. T., Heeringa, S. G., Monahan, J., ... & Bliese, P. D. (2017). Sexual assault victimization and mental health treatment, suicide attempts, and career outcomes among women in the US Army. *American journal of public health*, 107(5), 732-739
- Volodina, A., Nagy, G., & Köller, O. (2015). Success in the first phase of the vocational career: The role of cognitive and scholastic abilities, personality factors, and vocational interests. *Journal of Vocational Behavior*, 91, 11-22.
- Yazdkhasti, M., Simbar, M., & Abdi, F. (2015). Empowerment and coping strategies in menopause women: a review. *Iranian Red Crescent Medical Journal*, 17(3), 1-5.
- Doepke, M., & Tertilt, M. (2011). *Does female empowerment promote economic development?*. The World Bank.
- Fletcher, C. A. (2019). Single-Parent Families. *International Encyclopedia of Marriage and Family*. Retrieved in 2019/02/20 from <https://www.encyclopedia.com/social-sciences-and-law/sociology-and-social-reform/sociology-general-terms-and-concepts/single-parent-families>
- Friedman-Wheeler, D., Litovsky, A., Prince, K., Webbert, J., Werkheiser, A., Carlson, E., ... & Gunthert, K. (2019). Do Mood-Regulation Expectancies for Coping Strategies Predict Their Use? A Daily Diary Study. *International Journal of Stress Management*, 26(3), 287-296.
- Gelissen, J., & de Graaf, P. M. (2006). Personality, social background, and occupational career success. *Social Science Research*, 35(3), 702-726
- Goertzel, B. (2007). *Artificial general intelligence* (Vol. 2). C. Pennachin (Ed.). New York: Springer.
- Gordon, M. S., & Cui, M. (2015). Positive parenting during adolescence and career success in young adulthood. *Journal of Child and Family Studies*, 24(3), 762-771.
- Hon, A. H., & Lui, S. S. (2016). Employee creativity and innovation in organizations: Review, integration, and future directions for hospitality research. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 28(5), 862-885
- Horrell, S., & Krishnan, P. (2007). Poverty and productivity in female-headed households in Zimbabwe. *The journal of development studies*, 43(8), 1351-1380.
- Khamisa, N., Oldenburg, B., Peltzer, K., & Ilic, D. (2015). Work related stress, burnout, job satisfaction and general health of nurses. *International journal of environmental research and public health*, 12(1), 652-666.
- Mabelane, W. K., Makofane, M. D., & Kgadima, N. P. (2019). Reflections of Adult Children Raised in Female-Headed Families. *Social Work*, 55(2), 156-237.
- Majid, S., Liming, Z., Tong, S., & Raihana, S. (2012). Importance of soft skills for education and career success. *International Journal for Cross-Disciplinary Subjects in Education*, 2(2), 1037-1042.
- Mendoza, H. J. B., & Hontiveros, E. P. (2017). Academic achievement, emotional intelligence and fluid intelligence as predictors of intrinsic career success of graduate students: Basis for career development program. *Asian Journal of Social Sciences and Humanities*, 6(1), 9-20
- Patton, W., & McMahon, M. (2014). *Career development and systems theory: Connecting theory and practice*, Springer
- Riordan, S., & Louw-Potgieter, J. (2011). Career success of women academics in South Africa. *South African Journal of Psychology*, 41(2), 157-172